

حضرت
حجۃ بن الحسن العسکری
علیہما السلام

فضل اللہ کمپانی

سرشناسه
 عنوان و نام پدید آور : حضرت حجة ابن الحسين عليه السلام، فضل الله، کمپانی
 مشخصات نشر : تهران: مفید، ۱۳۷۰
 مشخصات ظاهری : ۲۸۸ ص.
 شابک: ISBN 978-964-2853-08-3 چاپ دوم
 وضعیت فهرست نویسی: چاپ دوم: ۱۳۸۶ (فیا)
 یادداشت : بالای عنوان واحدهای کاری به روایت تصریر.
 یادداشت : کتابنامه: ص ۲۸۸ - ۲۹۳: همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - سرگذشتنامه.
 رده بندی کنگره : ۶۸ / ۵۱ / BP



حضرت حجة بن الحسن علیهما السلام
 فضل الله کمپانی
 حروفچینی: مفید کامپیوتر
 چاپ: اول - ۱۳۸۶
 شمارگان: ۳۳۰۰
 چاپ: سپیدرود

التشارات مفید

تلفن ۰۹۳۲۹۰۸۵۴۵۴ - کد پستی ۱۱۴۶۹۳۶۶۹۱۱

شابک: ۹۷۴-۹۶۴-۲۸۵۳-۰۷-۶

ISBN 974-964-2853-07-6

چاپ و هرگونه عکس برداری از هر نسخه ممنوع است
 قیمت: ۲۰۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلٰوةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ
الطَّيِّبِينَ سَيِّمًا الْمَهْدِيَّ الْمُنتَظَرَ الْاِمَامِ الْاِثْنَانِي عَشَرَ عَجَّلَ اللهُ تَعَالٰی فَرَجَهُ
الشَّرِيفَ.

و بعد - بر صاحب نظران و اهل تحقیق واضح و معلوم است که موضوع
مهدویت از زمانهای دیرین در میان ملل و اقوام مختلفه جهان مورد توجه بوده و
همگان بر وجود کسی که در آینده ظهور نموده و به بیدادگریها و بی
سروسامانیهای بشر خاتمه خواهد داد معتقد بوده اند و اعتقاد به اینکه مهدی
موعود امام دوازدهم بوده و اکنون از انتظار مردم غایب و روزی ظهور خواهد
نمود تنها عقیده شیعه نیست بلکه از طریق تسنن نیز روایات متواتری وجود
دارد که در کتب تاریخ و حدیث عامّه ثبت گردیده است و چنانچه در مسیر
زمان بعقب برگردیم و در ادیان پیشین هم این مطلب را بررسی کنیم روشن
خواهد شد که در کتب آسمانی آنها نیز موضوع چنین امری پیش بینی شده و

بشریت را به یک روزگار ایدآلی که تماماً سعادت و کامیابی بوده و بدست یک مصلح غیبی صورت خواهد گرفت بشارت داده‌اند.

در کتاب شیعه (مجموعه مذاکرات علامه طباطبائی با پرفسور کرین) ضمن توضیح مطلب، چنین آمده است که عقیده به ظهور مصلح غیبی و جهانی در کیشهای آسمانی زوراستریانیسم (مذهب زردشت) و جودائیسیم (مذهب یهود) و سه مذهب عمده مسیحیت (کاتولیک و پروتستان و ارتودکس) و در دین مقدس اسلام به مثابه یک اصل مسلم دینی قبول شده و همگی بالاتفاق بشارت ظهور مصلح غیبی و جهانی را داده‌اند. اعتقاد به دوره آخر الزمان و انتظار ظهور منجی غیبی که باصطلاح فوتوریسیم نامیده می‌شود در مباحث تتولوژیکی مذاهب آسمانی کاملاً مورد شرح و بسط داده شده است.^(۱)

یکی از کتابهای سودمند و پرارزشی که در اینمورد تألیف گردیده کتاب بشارت عهدین است که ذیلاً بچند فقره از مطالب آن درباره حضرت مهدی علیه السلام اشاره می‌گردد.

۱- در تورات آیه ۲۰ سفر تکوین فصل ۳ خداوند به حضرت ابراهیم چنین فرماید: ای ابراهیم دعای ترا در حق اسماعیل شنیدم اینک او را برکت داده و بارور گردانیده به مقام ارجمند خواهم رسانید و بوسیله محمد صلی الله علیه و آله و دوازده امام از نسل وی او را امت بزرگی خواهم نمود.^(۲)

۲- درباره اینکه تمام بشر در دولت مهدی علیه السلام پیرو یک آیین می‌شود در کتاب صفینای نبی فصل ۳ آیه ۶ و ۷ می‌فرماید:

بمنظور گرد آوردن تمامی طوائف بشر بر یک دین حق، سلاطین و دول

۱- مجموعه مذاکرات علامه طباطبائی با پرفسور کرین ص ۴۶۵ - ۴۶۴.

۲- بشارت عهدین ص ۲۱۳.

مختلفه را نابود کنم و تمام روی زمین بگرمی غضب من بسوزد آنگاه برگردانم
بقوم‌ها لب پاکیزه برای خواندن همه بنام خدا و عبادت کردن آنها به یک
رَوش.^(۱)

۳- در کتاب شاکمونی بوحدت دیانت در زمان حضرت مهدی علیه السلام اشاره
کرده و گوید سلطنت و دولت دنیا بفرزند سید خلاق دو جهان، کشن (نام پیغمبر
اسلام به لغت هندی) بزرگوار تمام شود و او کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و
مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر آبرها سوار شود و فرشتگان کارکنان او
باشند و جنّ و انس در خدمت او شوند و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده
گردد و نام او ایستاده (قائم) باشد.^(۲)

در کتاب پاتیکل که از اعظم هندوان و به رغم آنها صاحب کتاب آسمانی
است راجع به دولت با سعادت مهدی علیه السلام اینگونه نقل کرده است که چون روز
تمام شود دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود از
فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی ناموس آخر الزمان (حضرت
محمد صلی الله علیه و آله) و دیگری صدیق اکبر یعنی وصی بزرگتر وی که پشن (نام
علی علیه السلام به لغت هندی) نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه، راهنما (هادی و
مهدی) است بحق پادشاه شود و خلیفه رام (خدا) باشد و حکم براند و او را
معجزه بسیار باشد هر که پناه به او برد و دین پدران او (اسلام) را اختیار کند در
نزد رام (خدا) سرخ رو باشد.^(۳)

۵- در انجیل متی (فصل ۲۴ آیه ۲۳ الی ۴۲) و در انجیل مرقس (فصل
۱۳ آیه ۲۱ الی ۳۲) و در انجیل لوقا (فصل ۲۱ آیه ۵ الی ۳۶) دوران آخر الزمان

۲- بشارت عهدین ص ۲۴۲ - ۲۴۳.

۱- بشارت عهدین ص ۲۴۱ - ۲۴۰.

۳- بشارت عهدین ص ۲۴۶ - ۲۴۷.

(بلکه) در کوه رضوی است و در نزدش غسل و آب وجود دارد.

و اما در اینکه خود محمد حنفیه دعوی امامت نموده است یا خیر روایات مختلفی وارد شده و در بعضی از کتب امامیه آمده است که میان او و حضرت سجاد علیه السلام در موضوع امامت اختلاف و منازعه شد و نزد حجر الاسود رفتند و آنرا میان خود حاکم قرار دادند و حجر با اذن خدا به امامت حضرت سجاد گواهی داد و محمد حنفیه نیز پذیرفت و مطیع آن حضرت گردید و محقق اردبیلی و علامه مجلسی نوشته اند که محمد حنفیه را شأن و مقام بالاتر از آن بود که امام خود را شناسد و چنین ادعائی کند و این منازعه و محاکمه صوری و ظاهری برای دفع شبهه مردم عوام بود و می خواستند حقیقت امر را بر آنها مکشوف سازند چنانکه طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که ابو خالد در کابل بود و به امامت محمد حنفیه معتقد بود چون به مدینه آمد مشاهده کرد که محمد حنفیه امام سجاد را (یا سیدی) خطاب می کند ابو خالد به محمد گفت برادر زاده ات را طوری مورد خطاب قرار داده ای که احدی وی را چنین خطاب نمی کند! محمد گفت او در نزد حجر الاسود با من محاکمه کرد و من از حجر شنیدم که به من گفت امر امامت را به برادر زاده ات واگذار کن زیرا که او بدین امر از تو سزاوارتر است ابو خالد نیز چون چنین دید از عقیده سابق خود دست برداشت و به امامت حضرت سجاد معتقد گردید. ^(۱)

۲- گروهی از زیدیه که پیروان زید (پسر امام سجاد) هستند قائل به مهدویت او شده و منتظر ظهور او می باشد. ^(۲)

زید بن علی در زمان حکومت هشام بن عبدالملک علیه او خروج کرد و

۱- اعلام النوری - مجالس المؤمنین جلد ۱ ص ۲۷۶ - و برای دانستن اینکه چگونه حجر الاسود سخن گفته به کتاب حضرت سجاد تألیف نگارنده مراجعه شود.

۲- ادیان و مهدویت ص ۵۵ نقل از مروج الذهب و مقدمه ابن خلدون.

کشته شد و جسدش را به دار آویختند یکی از شعرای اموی به طرفداران زید خطاب نموده و گوید:

صَلَبْنَا لَكُمْ زَيْدًا عَلَى جَنْعِ نَخْلَةٍ
وَلَمْ أَرْ مَهْدِيًّا عَلَى الْجَنْعِ عَلَى الْجَنْعِ يُضَلِّبُ

یعنی ما زید شما را به شاخه درخت خرما دار زدیم و من ندیدم که مهدی به شاخه خرما به دار آویخته شود!

و البته زید خودش ادعای امامت و مهدویت نداشت بلکه برای خونخواهی جدش حسین علیه السلام قیام کرد و مردم را به سوی پسندیده از آل محمد علیهم السلام دعوت نمود زیرا او می دانست که برادرش حضرت باقر علیه السلام برای احراز این مقام شایسته است و باز می دانست که امام باقر نیز فرزندش حضرت صادق علیه السلام را جانشین خود قرار داده است هنگامی که خبر شهادت او را به امام صادق علیه السلام دادند گریست فرمود: اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ.

اجر مصیبت عمویم زید را از خدا میطلبم زیرا زید نیکو عمویی بود و از برای دنیا و آخرت ما نافع بود و به خدا قسم که عمویم شهید از دنیا رفت مانند کسانی که در خدمت حضرت رسول و علی و حسن و حسین صلوات الله و سلامه علیه‌م شهید گشتند.^(۱)

۳- فرقه دیگر ناووسیه هستند که معتقدند حضرت صادق علیه السلام هنوز زنده است و او همان مهدی موعود است و فرقه دیگری نیز به نام واقفیه اند که بر امامت موسی کاظم علیه السلام باقی ماندند و گفتند مهدی موعود اوست و فرقه ای هم امام حسن عسگری را مهدی موعود دانسته و گفتند که او مرده است و بعداً زنده می شود!

البته سخن فرقه‌های مزبور جز یاوه‌گوئی چیز دیگری نیست زیرا به گواهی تاریخ وفات محمد حنفیه و شهادت زید و رحلت حضرت صادق و یا امام کاظم علیه السلام ثابت و روشن است و روایت زیادی در اینمورد در کتب اخبار وارد شده است چنانکه شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا یکباب به روایات وارده درباره وفات امام موسی کاظم علیه السلام اختصاص داده است و اگر ما مندرجات کتب تواریخ را بی ارزش بدانیم در اینصورت می‌توانیم بگوئیم هیچ یک از اشخاصی که در هزاران سال پیش وجود داشتند نمرده و بلکه همه آنها زنده‌اند!!! و بهترین دلیل بر رد سخنان آنها انقراض فرقه‌های مزبور است.

۴- صوفیه نیز به مهدویت نوعی قائلند و میگویند در هر زمانی قطبی وجود دارد که او دارای منصب ولایت است ملاً حسین کاشفی در شرح اشعار مولوی چنین می‌نویسد: لاجرم در هر زمان قطبی و غوثی باشد که افضل و اکمل اولیاء زمان بود و او را کامل الاعصار گویند و به حق خلیفه الله باشد در میان خلائق، و این خلیفه را مقام تحقق است به مظهریت ذات صفات و اسماء الهی، و او میراث ذات است به جمیع شئون ذاتیه و رابطه فیض است از رب به مربوب. (۱)

جلال الدین مولوی در این مورد گوید:

پس به هر دوری ولی قائم است

تا قیامت آزمایش دائم است

پس امام حی قائم آن ولی است

خواه از نسل عمر خواه از علی است!

و اما آن کسانی که شخصاً دعوی مهدویت نموده‌اند بسیارند و ذیلاً به چند

تن از آنها اشاره می‌شود.

۱- محمد ملقب به نفس زکیه پسر عبدالله محض از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام در زمان منصور دوانقی دومین خلیفه عباسی در مدینه علیه او خروج کرد و مردم را بسوی خود دعوت نمود و برادرش ابراهیم نیز او را یاری می‌کرد و عده زیادی نیز با او بیعت نمودند. محمد و پدرش عبدالله و چند تن دیگر در مجلس گرد آمده و حضرت صادق علیه السلام آنها را از این عمل نهی نمود و فرمود این کار صلاح نیست و موقع خروج مهدی هم نرسیده است و محمد نیز بوسیله منصور کشته می‌شود.

محمد و اطرافیانش به سخنان امام توجه نکردند و با گروهی که با او بیعت کرده بودند بعضی شهرها را از دست حکومت عباسیان خارج ساختند ولی آخر الامر همچنانکه حضرت صادق علیه السلام فرموده بود محمد و برادرش ابراهیم مغلوب گردیده و به دستور منصور کشته شدند.^(۱)

۲- ابو محمد عبدالله مهدی در آفریقا با یهود سازش نمود و در بدایت امر زاهد و پرهیزکار و با مکتفی خلیفه عباسی معاصر بود وی جنگ‌های بسیار کرد و در سال ۲۸۰ هجری داعیان خود را به مغرب فرستاد و چون به یمن رفت دعوی مهدویت نمود و لقب القائم بخود گرفت و سکه حجة الله زد و در سال ۲۹۷ در روز جمعه خود را به نام مهدی موعود خواند و لقب امیر المؤمنین بر خویش نهاد و در سال ۳۴۴ وفات یافت مهدی در آفریقا کارش بالا گرفت و پیروانش بسیار گشتند.^(۲)

۳- غلام احمد قادیانی (در سال ۱۸۷۲ میلادی و در چهل سالگی) در

۱- برای توضیح و تفصیل بیشتر به کتاب مقاتل الطالبیین مراجعه شود.

۲- ادیان و مهدویت ص ۵۶ نقل از تاریخ ابن اثیر

هند دعوی مهدویت نمود یعنی به تمام ملل عالم که منتظر کسی هستند گفت من همان شخصی هستم که شما منتظر او هستید و اتباع او هم زیاد گردید و تألیفاتی نمود از جمله حَمَامَةُ الْبَشَرِ در امامت و مرحوم علامه حاج ابوالحسن میرزا شیخ الرئیس ردّی باو نوشت مسمّی به صَقْرُ الْأَمَامَةِ عَلٰی رَأْسِ الْحَمَامَةِ^(۱).

۴- محمّد احمد مهدی (یا متمدی) سودانی مانند شیعیان معتقد به امام دوازدهم بود ولی ادعا می کرد که خودش همان امام دوازدهم است که یک مرتبه دیگر قبل از این ظهور نموده است! مقدّمه دعوی مهدویت سودانی این بود که حکومت های مصر، مردم سودان را زیر فشار مالیات قرار داده بودند محمّد احمد ابتدا از رفتار آنها شروع به انتقاد نمود و تسلّط آن ستمکاران را نتیجه سیّئات اولاد آدم قلمداد کرده و چنین اظهار نمود که عالم فاسد شده و مردم از طریق حقّ منحرف شده اند و بدینجهت بغضب خداوند گرفتار گشته اند و خداوند به زودی مردی را خواهد فرستاد تا اوضاع عالم را اصلاح کند و زمین را پر از عدل و داد نماید و او مهدی منتظر می باشد.

متمدی سودانی با انگلیسی ها و مصریان جنگ ها نمود و زمزمه ظهور مهدی منتظر در تمام اقطار سودان پیچید و محمّد احمد دید خیال مردم به مؤدّه ظهور مهدی کاملاً راحت شده و اقوال وی خوب در مردم مؤثر گشته است چون زمینه افکار عمومی را مهیا دید به خاطرش رسید که اگر دعوی مهدویت کند افکار عمومی او را قبول و از آن استقبال خواهند کرد با وجود این او باین دعوی مبادرت نورزید تا مردم مبادرت کرده و از وی برسیدند شاید خود شما مهدی منتظر می باشید در این وقت جواب داد آری من همان مهدی منتظر هستم!^(۲)

۵- و کسی که بیشتر از دیگران مخصوصاً در ایران مشهور است سید علیمحمد فرزند میرزا رضا بزاز شیرازی است که در سال ۱۲۶۰ هجری قمری (در ۲۵ سالگی و به تحریک استعمارگران) ادعا نمود که من باب امام غائب هستم و گروهی نیز دعوی او را پذیرفتند باب سپس به مکه رفت و در آنجا دعوی مهدویت نمود و صریحاً اعلام کرد که من همان مهدی موعود هستم (چون در روایات آمده است که حضرت حجة بن الحسن علیه السلام از مکه ظهور می کند) مؤلف کتاب جمال ابهی از کتاب الکواکب الدریه می نویسد که باب نزد خانه کعبه داعیه خود را علنی نموده و بدین نغمه بدیعه تغنی نمود **أَنَا الْقَائِمُ الَّذِي تَنْتَظِرُونُ!!** ای مردم من همان قائمی هستم که انتظار او را می کشید^(۱)!!

و اما دلائلی را که علیمحمد بر باییت و مهدویت خود آورده به پرت گوئی و هذیان بیشتر شباهت دارد تا به یک سخن معقول و مستدل و ما ذیلاً به یک فقره از سخنان مهمل او جهت روشن شدن مطلب اشاره می نمایم.

در مجلسی که چند تن از علمای تبریز با وی در این مورد مناظره می کردند یکی از آنها (حجة الاسلام ملا محمد مقانی) از او می پرسد شنیده ام شما ادعای باییت نموده اید! می گوید بلی.

حجة الاسلام می پرسد باب چه معنی دارد؟ می گوید کلام شریف **أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَيَّ بَابُهَا** را چگونه فهمیدی آیا نظر نکردی بوجه (روی) خود که چهار مشعر دارد در یک صفحه واقع است که پنج می شود چشم، گوش، دماغ، دهان، و روی، و عدد باب هم (به حساب ابجد) مطابق هاهویت است.^(۲) دلیل را بنگرید می گوید چون چشم و گوش و بینی و دهان با خود صورت پنج می شود و کلمه باب هم به حساب ابجد پنج می باشد و حرف ه نیز

که اولین حرف کلمه هویت است پنج است پس من باب و مهدی هستم!!
 سخن باب مانند سخن آن کسی است که پسرش را عبدالصمد نام نهاده
 بود پرسیدند علت این نامگذاری چیست؟ پاسخ داد که این پسر در ماه جمادی
 الثانی بدنیا آمده است. گفتند چه مناسبت و رابطه‌ای میان دو کلمه عبدالصمد و
 جمادی الثانی وجود دارد؟ گفت برای اینکه هر دو کلمه حرف س دارند!!

علی محمد تنها به دعوی مهدویت اکتفا نکرد بلکه رفته رفته ادعای
 پیغمبری و حتی خدائی هم نمود زیرا مهملانی را از پیش خود ساخته و آنها را
 به صورت الواح و کتابهایی در آورد و گفت اینها وحی آسمانی است که خداوند
 به من نازل کرده است! مشهورترین کتاب او به نام بیان است که در آن احکام
 شریعت ساختگی خود را ذکر کرده و دارای جملات عربی مسجع و پر از اغلاط
 و بعضی جمله‌های فارسی است و مدعی بود که خداوند تعالی قبلاً در قرآن
 فرموده است که الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ وَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ منظور از
 انسان علی محمد و مقصود از بیان همین کتاب بیان است که نازل شده است!
 جهت مزید اطلاع جملاتی از بافته‌های او که به حساب خودش آنرا
 وحی آسمانی می‌داند و چیزی از آنها مفهوم نمی‌شود ذیلاً نقل می‌گردد. در
 یکی از الواح بیان چنین گوید:

بِسْمِ اللَّهِ الْبَهِيِّ الْآبِهِيِّ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَدْ أَظْهَرَ ذَاتِيَّاتِ الْحَمْدَانِيَّاتِ
 بِأَطْرَازِ طَرَزاً طَرَزَانِيَّةً، وَ أَشْرَقَ الْكُونِيَّاتِ الذَّاتِيَّاتِ بِأَشْرَاقِ شَوَارِقِ
 شَرِاقِ شَرَاقِيهِ، وَ أَلَاحَ الذَّاتِيَّاتِ أَلْبَازِ خِيَاتِ بِطَوَالِجِ بَدَائِعِ وَقَائِعِ مَنَاجِيهِ مَجْدِ
 قَدْسِ مَتَنَاعِيهِ، وَ أَظْهَرَ أُنْوَارِ نِيَّاتِ مَتَلَاتِحَاتِ بَظْهَوْرَاتِ آيَاتِ فَرْدَانِيهِ، حَمْدًا
 شَرِاقًا ذَوَالِاشْتِرَاقِ وَ بَرَاقًا ذَوَالِابْتِرَاقِ وَ شَقَاقًا ذَوَالِاشْتِقَاقِ وَ بَرَاقًا ذَوَالِابْتِرَاقِ

و رَقَاقًا ذَوِ الْأَرْتَقاقِ وَ حَقَاقًا ذَوِ الْإِحْتِقاقِ وَ سِیَاقًا ذَوِ الْإِسْتِیَاقِ وَ...^(۱)

۶- پس از آنکه علی محمد باب در سال ۱۲۶۶ هجری قمری در تبریز مصلوب و مقتول گردید پیروان او بدو شعبه ازل و بهائی منشعب گردیدند. علیمحمد باب در وصیت خود یحیی صبح ازل را جانشین خود تعیین کرده بود و از طرفی در سخنانش اشاره به مَنْ یُظْهِرُهُ اللَّهُ (کسی که خداوند او را در آینده ظاهر خواهد نمود) کرده و پیروانش را به اطاعت وی فرا خوانده بود و ضمناً گفته بود که شریعت من تا دو هزار و یکسال (برابر کلمه المستغاث) باقی خواهد ماند و مَنْ یُظْهِرُهُ اللَّهُ پس از آن خواهد آمد ولی حسینعلی بهاء (برادر صبح ازل) با تردستی و حيله گری خود را همان مَنْ یُظْهِرُهُ اللَّهُ معرفی کرد و گفت منظور باب از آن کس من هستم و خود باب مبشر من بوده است لذا در سال ۱۲۶۹ شریعت باب را نسخ شده اعلام داشته و خود مهملاتی مانند یاوه گوئیهای علیمحمد بهم بافته و کتابهایی من جمله اقدس و ایقان (به جای بیان) آورده و آنها را وحی آسمانی قلمداد نموده و دعوی پیغمبری و خدائی کرد لذا سال ۱۲۶۹ قمری ظهور کیش ساختگی بهائیت است که مذهب بهائیهای فعلی می باشد.^(۲)

باید دانست که تمام این عقاید باطله، ساختگی بوده و بهترین دلیل بر بطلان آنها عدم مطابقت محتوای دعوی مدعیان مهدویت با مفاد روایات واصله می باشد زیرا علاوه بر اینکه مشخصات مدعیان مزبور با خصوصیات و مشخصات امام دوازدهم مغایرت دارد مضمون مشترک اخبار و روایات وارده در مورد مهدی علیه السلام نیز چنین است که او جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود

۱- مفتاح باب الابواب ص ۲۱۱

۲- برای اطلاع کامل از کیفیت ظهور باب و بهاء و چگونگی احکام ساختگی آنها به کتبی که در این مورد تألیف گردیده من جمله به مفتاح باب الابواب و جمال ابهی و کشف الحیل مراجعه شود.

در صورتیکه بر همگان روشن است که این مهدی‌های قلابی و ساختگی که تا کنون در جهان به دعوی مهدویت برخاسته‌اند نه تنها عدل و دادی به وجود نیاورده‌اند بلکه به بدبختی‌ها و نابسامانی‌ها اضافه کرده و فتنه‌هایی بر پا ساخته‌اند که در نتیجه گروهی از مردم را نیز به گمراهی کشانیده‌اند.

بنابراین مهدی موعودی که در ادیان پیشین بوجود وی اشاره شده و اخبار و روایات زیاده از حد تواتر درباره وجود و غیبت و ظهور وی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و دیگران رسیده است فقط یک مصداق حقیقی و واقعی و خارجی دارد و آن امام دوازدهم حضرت «م ح م د» بن الحسن العسکری است که در سال ۲۵۵ در سامراء از مادری به نام نرجس خاتون ولادت یافته و پس از وفات پدرش در سن پنج سالگی در مسند امامت قرار گرفته و از انظار مردم مخفی گردیده است و پس از ۶۹ سال دوران غیبت صغری در سال ۳۲۹ غیبت کبری نموده و تا روزی که خدا بخواهد در پس پرده غیبت خواهد بود و غرض از نگارش این کتاب اثبات همین مطلب است.

و پر واضح است که شبهات و اشکالاتی نیز از این قبیل بنظر بعضی‌ها می‌رسد که چه دلیلی بر وجود امام غائب است و به فرض وجود داشتن، چه نیازی بوجود اوست و مردم که دسترسی بوی ندارند چه قائده‌ای از وجود او می‌برند گذشته از اینها چگونه ممکن است کسی متجاوز از هزار سال زنده بماند و جا و مکان او کجاست و وو. امید است که در این کتاب بدین قبیل اشکالات پاسخ مقتضی داده شود و هر گونه شبهه و ابهامی در این مورد با دلیل و منطق برطرف گردد و البته انجام این امر منوط به توفیق و عنایت خداوند متان است لذا: **اَسْتَعِينُ بِاللّٰهِ وَ هُوَ الْمُسْتَعَانُ**.

«فضل الله کمپانی»

فهرست

۳	مقدمه
۱۷	بخش اول: ولادت و غیبت
۱۹	۱- ولادت و مشخصات
۲۹	۲- غیبت صغری و نَوَاب اربعه
۳۰	۱- ابو عمرو عثمان بن سعید
۳۱	۲- ابو جعفر محمد بن عثمان
۳۲	۳- ابو القاسم حسین بن نوح
۳۴	۴- علی بن محمد سمری
۳۸	۳- غیبت کبری و علل آن
۴۹	بخش دوم: بحث درباره وجود مهدی (عج)
۳۹	۱- شباهت او به انبیاء در سنت
۴۱	۲- آزمایش مردم
۴۳	۳- عدم بیعت دیگران در گردن او
۴۵	۴- آماده نبودن شرایط ظهور
۵۱	۱- سخنان منکرین و پاسخ آنها
۶۱	۲- کسانی که آن حضرت را دیده‌اند
۶۱	در حیات پدرش:
۶۶	در زمان غیبت صغری
۶۹	در زمان غیبت کبری
۷۴	۳- مهدی علیه السلام در تاریخ

- ۴- مهدی در قرآن ۷۷
- ۵- مهدی علیه السلام در نهج البلاغه ۸۲
- ۶- مهدی علیه السلام در اخبار ۸۶
- ۷- مهدی علیه السلام در دیوان شعراء ۸۹
- بخش سیّم: نصوص درباره مهدی (عج) ۹۷
- ۱- نصّ خدای تعالی ۹۹
- ۲- اخباری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۱۰۳
- ۳- اخباری از امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۱۰
- ۴- اخباری از ائمّه دیگر ۱۱۴
- حضرت حسن مجتبی علیه السلام ۱۱۴
- حضرت حسین علیه السلام ۱۱۵
- حضرت سجاد علیه السلام ۱۱۶
- حضرت باقر علیه السلام ۱۱۸
- حضرت صادق علیه السلام ۱۱۹
- حضرت موسی کاظم علیه السلام ۱۲۰
- حضرت رضا علیه السلام ۱۲۱
- امام جواد علیه السلام ۱۲۳
- امام هادی علیه السلام ۱۲۴
- ۵- نصوصی از پدرش ۱۲۶
- بخش چهارم: مهدی (عج) از نظر اهل سنت ۱۳۱
- ۱- مهدی علیه السلام در کتب اهل سنت ۱۳۳
- ۲- کتب مخصوصی که درباره وی نوشته شده ۱۳۶
- ۳- پاره‌ای از اخبار اهل سنت ۱۳۹
- ۴- فتوای علماء تسنن ۱۶۲

۱۶۲	صورت استفتاء:
۱۶۳	پاسخ علامه احمد بن حَجَر شافعی:
۱۶۴	پاسخ احمد ابوالسّرور حنفی:
۱۶۵	پاسخ محمد بن محمد مالکی:
۱۶۵	پاسخ یحیی بن محمد حنبلی:
۱۶۹	بخش پنجم: بحث کلامی و استدلالی
۱۷۱	۱- بحثی در امامت
۱۸۹	۲- لزوم وجود امام به طور استمرار
۱۹۸	۳- زنده بودن مهدی علیه السلام
۲۰۷	۴- تعریف اعجاز و خرق عادت
۲۱۹	۵- زنده ماندن مهدی علیه السلام چه نوع خرق عادت است؟
۲۲۷	۶- ظهور مهدی علیه السلام و روش او
۲۳۷	بخش ششم: موضوعات متفرقه
۲۳۹	۱- معجزات و اخبار غیبی
۲۴۴	۲- انتظار فرج
۲۵۰	۳- از دعاهاى آنحضرت
۲۵۷	۴- توقیعات
۲۵۸	ترجمه توقیع:
۲۶۴	ترجمه توقیع:
۲۶۸	ترجمه توقیع:
۲۷۱	ترجمه توقیع:
۲۷۴	ترجمه توقیع:
۲۷۵	۵- دو قصیده عربی
۲۸۳	منابع و ماخذ